

گفتگو با فرهنگ سازان بزرگ ایران

۳ - مصاحبه با آقای دکتر ابوعلی سینا در بستر بیماری
بخش دوم
از دکتر عباس احمدی

اشاره - باخبر شدیم که یکی از اندیشمندان بلند آوازه ی ایرانی به نام آقای دکتر ابوعلی سینا در هنگام سفر از اصفهان به همدان در یکی از آبادی های نزدیک همدان به بیماری سختی مبتلا شده اند و با زحمات فراوان توانستیم مصاحبه ای با ایشان ترتیب بدهیم. در شماره ی گذشته، بخش اول این مصاحبه را خواندید و اینک بخش دوم آن از نظرتان می گذرد.



صفحه ی اول کتاب «القانون فی الطب»، مشهورترین کتاب پزشکی جهان

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، از این که در این اوضاع دشوار، دعوت ما را برای مصاحبه قبول کرده اید بسیار سپاسگزارم. دیروز راجع شرح احوال تان با شما صحبت کردیم. امروز، اگر موافق باشید، می خواهیم راجع به کتاب هایتان با جنابعالی گفت و گو کنیم.

اس - همان طور که می دانید، بنده در عرض پنجاه و هشت سالی که از عمرم می گذرد، حدود دویست و پنجاه کتاب و رساله در زمینه های پزشکی و فلسفه نوشته ام. راجع به کدام یک از این کتاب ها می خواهید صحبت کنید.

ع ۱ - از میان کتاب های پزشکی تان، کتاب «القانون فی الطب» و از میان کتاب های فلسفی تان کتاب «الشفا» را برای این مصاحبه انتخاب کرده ایم.

کتاب القانون فی الطب

ع ۱ - کتاب «القانون فی الطب»، مدت پنج قرن یعنی تا آغاز قرن هفدهم میلادی، معروف ترین و

معتبر ترین منبع و ماخذ پزشکی در مشرق و مغرب بوده است و برای قرون متمادی، در دانشگاه های اروپا تدریس می شده است. نظریاتی که جنابعالی در کتاب قانون ابراز داشته اید، در مردان برجسته ی مغرب زمین، مانند راجر بیکن، تاثیر عمیق کرده است و در انقلاب علمی دوره ی رنسانس نقش مهمی داشته است. این کتاب گواه صادقی است بر استادی شما در زمینه ی طب و به خوبی نشان می دهد که چرا در مدت هزار سال جنابعالی در اروپا به عنوان «امیر پزشکان» معروف بوده اید. این کتاب عظیم بیش از یک میلیون کلمه دارد.

اس - از اظهار لطف تان متشکرم.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، بیشتر جوانان ما از این کتاب فقط اسمی شنیده اند و از محتویات آن اطلاع چندانی ندارند. ممکن است راجع به محتویات این کتاب برای خوانندگان جوان ما توضیح بیشتری بدهید.

اس - بنده این کتاب را به زبان عربی نوشته ام. کتاب «القانون فی الطب» یک کتاب ساده نیست بلکه مجموعه ای مرکب از پنج کتاب است: کتاب اول راجع به اصول کلی طب است. کتاب دوم راجع به ادویه ی مفرده یا داروهای ساده است. کتاب سوم راجع به بیماری های اعضای خاص است. کتاب چهارم راجع به بیماری های موضعی مانند تب است که تمایل به انتشار در سراسر بدن دارد. کتاب پنجم راجع به ادویه ی مرکبه یا داروهای ترکیبی است.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، خیلی عذر می خواهم که صریح حرف می زنم، اما بعضی ها ایراد می گیرند که کتاب «القانون فی الطب» ترکیبی از نظریات دکتر بقراط و دکتر جالینوس و دکتر دیوسقوریدرس است و به طور کلی زیر نفوذ طب یونانی می باشد. جنابعالی در این مورد اگر دفاعی دارید بفرمایید.

اس - بنده در کتاب قانون، علاوه بر طب یونانی، از طب هندی و ایرانی نیز استفاده کرده ام و بعلاوه موضوعات تازه ی در آن آورده ام که نتیجه ی تجربه ها و استدلال های پزشکی خودم است. مانند اکتشاف نیروی ضد عفونی کننده ی الکل، اکتشاف ورم های مغزی یا به قول فرنگی ها مننژیت، اکتشاف زخم های معده، فیزیولوژی چشم، و بیماری های روان تنی یا سایکو سوماتیک.

خلط های چهار گانه: خون، بلغم، سودا، و صفرا

ع ۱ - جنابعالی در کتاب «القانون فی الطب» در باره ی خلط های چهار گانه صحبت کرده اید. ممکن است برای خوانندگان ما، در باره ی نقش این خلط ها در تندرستی و بیماری انسان، توضیح بیشتری بفرمایید.

اس - همان طور که طبیعت از چهار عنصر اصلی یعنی آتش و باد و آب و خاک تشکیل شده است، بدن انسان نیز از چهار خلط اصلی تشکیل شده است که عبارتند از **خون و بلغم و سودا و صفرا**.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، اکثر مردم با خون آشنا هستند، اما بلغم و سودا و صفرا دیگر چه جور موادی هستند؟

اس - **بلغم**، خون نیخته و خام است. **خون** همان بلغم پخته شده است. **صفرا**، کف خون است. **سودا**، رسوب خون و ثقل و کدری آن است. اگر خون را در ظرفی بریزید، کفی که روی خون تشکیل می شود، همان صفرا ست و رسوبی که در ته ظرف جمع می شود همان سودا است. فعلا به همین تعریف مختصر قناعت بفرمایید، چون بعدا راجع به یکایک آنها مفصلا توضیح خواهم داد.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، این خلط های چهار گانه به چه نحوی در بدن ما به وجود می آیند؟
اس - این خلط ها از غذایی که می خوریم به وجود می آیند. غذا بعد از هضم شدن به یکی از این چهار خلط تبدیل می شود. این خلط ها به اندام های مختلف بدن می روند و به آن ها غذا می رسانند و باعث رشد و نمو اعضای بدن می شوند.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، آیا این چهار خلط شبیه به هم هستند؟

اس - خیر. این چهار خلط با هم فرق دارند. خون، گرم و مرطوب است. بلغم، سرد و مرطوب است. صفرا، گرم و خشک است. سودا، سرد و خشک است. به عقیده ی بنده، تندرستی عبارت

است از تعادل بین این چهار خلط. بیماری عبارت است از عدم تعادل بین این چهار خلط. نقش درمان و دارو این است که تعادل بین خلط‌های چهار گانه را از نو برقرار سازد.



دستگاه عضلات بدن انسان از نظر ابوعلی سینا (از کتاب القانون فی الطب)

نقش خون

ع ۱ - آقای دکتر ابن سینا، ممکن است راجع به نقش خون توضیح بیشتری بدهید. اس - خون یکی از خلط‌های چهار گانه است. جنس خون از بقیه ی خلط‌ها مرغوب تر است. خون طبیعی سرخ رنگ است و بوی بد ندارد و مزه اش شیرین است. خون غیر طبیعی گاهی سیاه رنگ و گاهی سفید رنگ است و بو و مزه اش تغییر کرده است و تلخ یا شور یا ترش شده است. نقش خون این است که غذا را از معده به اندام‌های بدن برساند.

نقش بلغم

ع ۱ - آقای دکتر، ممکن است کمی هم راجع به نقش بلغم صحبت بفرمایید. اس - بلغم خونی است که پختن و نضج آن کامل نشده باشد. بلغم مانند خون است و همه ی اندام‌ها به آن احتیاج دارند. اگر اندامی از غذای آماده به صورت خون محروم بماند، می تواند بلغم را با حرارت غریزی خود بپزد و آن را تبدیل به خون کند و از آن تغذیه نماید. بعلاوه، بعضی از اندام‌ها مانند مخ، احتیاج دارند که در خون غذادهنده ی آن‌ها مقداری بلغم وجود داشته باشد. اگر خونی

که به مخ می رود، آمیخته به جوهر نرم بلغم نباید، هرگز مخ نرم تر از گوشت نمی شود. مزه ی بلغم مانند خون شیرین است.

نقش صفرا

ع ۱ – آقای دکتر، ممکن است کمی هم راجع به نقش صفرا صحبت بفرمایید.
اس – صفرا، کف خون است که رنگ سرخ درخشان دارد و سبک است و هرچه گرمتر باشد، سرخی آن بیشتر است.

ع ۱ – آقای دکتر، صفرا در کجا تولید می شود؟

اس – صفرا در جگر تولید می شود و سپس به دوقسمت می شود. یک قسمت همراه خون می شود تا اولاً به اندام هایی مانند ریه غذا برساند و ثانياً خون را لطیف کند تا از گذرگاه های تنگ عبور نماید.

ع ۱ – تکلیف قسمت دوم چه می شود؟

اس – قسمت دوم به کیسه ی صفرا می رود. سپس از آنجا به روده می ریزد و ماهیچه ی مقعد را می گذز تا آدمی احساس قضای حاجت کند و برای دفع برخیزد. به همین جهت به سبب بسته شدن مجرای کیسه ی صفرا به روده ها، قولنج حاصل می شود.

نقش سودا

ع ۱ – آقای دکتر، جنابعالی راجع به خون و بلغم و صفرا صحبت فرمودید، حالا اگر ممکن باشد کمی هم راجع به سودا توضیح بفرمایید.

اس – سودا، رسوب خون و ثقل و کدري آن است. مزه ی سودا میان شیرینی و تلخی است. سودا در جگر تولید می شود و سپس به دو قسمت می شود. یک قسمت همراه خون می شود تا اولاً به اندام هایی مانند استخوان غذا برساند و ثانياً به خون استحکام و قوت و غلظت ببخشد. اگر خونی که به استخوان می رسد، آمیخته به جوهر سخت سودا نباشد، هرگز استخوان سخت تر از گوشت نمی شود.

ع ۱ – تکلیف قسمت دوم چه می شود؟

اس – قسمت دوم به طحال می رود. سودا از طحال وارد فم المعده می شود و فم المعده را با ترشی می خاراوند و تحریک می کند و گرسنگی را آشکار می سازد و اشتها را بر می انگیزاند. همان طور که ملاحظه می کنید، سودا و صفرا دو نقش متضاد را به عهده دارند. صفرا با گزیدن ماهیچه ی مقعد باعث دفع مدفوع از بدن می شود و سودا با تحریک فم المعده باعث تحریک اشتها و غذاخوردن می شود.

طبع های چهار گانه: گرم، سرد، خشک، و مرطوب

آقای دکتر ابوعلی سینا، جنابعالی خلط های چهارگانه را به گرم و سرد و خشک و مرطوب تقسیم کردید، آیا به عقیده شما، غذاها نیز طبع گرم و سرد و یا خشک و مرطوب دارند؟
اس – خوراک ها و دارو ها را می توان از روی خواص شان به گروه های سرد و گرم و خشک و مرطوب تقسیم نمود. در مداوای بیماران باید به این امر توجه ی کامل کرد.

ع ۱ – ممکن است با ذکر مثالی، در این باره توضیح بدهید.

اس – مثلاً، کسی که مزاج حاد و آتشین دارد باید غذاها و دارو هایی که صفت سردی و رطوبت در آنها غالب باشد به کار ببرد تا حرارت و یبوست صفراوی در او تعدیل شود. ولی همین غذاها و داروها در مزاج بلغمی اثر معکوس دارد.

قوه ی واحده: روح حیاتی

ع ۱ – آقای دکتر ابوعلی سینا، به اندازه ی کافی در مورد خلط های چهارگانه و غذاها سرد و گرم

صحت کردیم، حالا، اگر موافق باشید، کمی هم راجع به قوه های موجود در بدن انسان گفت و گو کنیم. همان طور که می دانید، بعضی از پزشکان مانند دکتر جالینوس معتقدند که در بدن انسان سه قوه وجود دارد: قوه ی نفسانی، قوه ی حیوانی و قوه ی طبیعی. به عقیده ی دکتر جالینوس، مرکز قوه ی نفسانی مخ است. مرکز قوه ی حیوانی قلب است. و مرکز قوه ی طبیعی جگر و دستگاه تناسلی است. به عقیده ی او، قوه ی طبیعی، به نوبه ی خود بر دو نوع تقسیم می شود: یکی آن که هدفش حفظ شخص است و آن در امر غذا دخالت می کند تا به بدن غذا بدهد و آن را به حد نهایی نشو نما برساند. مرکز این نوع قوه ی طبیعی، جگر است. هدف نوع دیگر قوه ی طبیعی حفظ نوع و نسل است و مرکز آن دستگاه تناسلی است. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

اس – بنده نظر دکتر جالینوس را در این مورد قبول ندارم. بنده با آقای ارسطو، بزرگ فیلسوفان، هم عقیده ام و معتقدم که به جای قوای ثالثه، یک قوه ی واحده به نام روح حیاتی در بدن وجود دارد.

ع ۱ – مرکز این روح حیاتی در کجاست؟

اس – خدای متعال جانب چپ قلب را مجوف قرار داده است تا مخزن روح حیاتی و منبع تولید آن باشد. روح حیاتی از مرکز خود که قلب باشد به مراکز اصلی بدن می رود و در هر یک از این مراکز، متناسب با خواص مزاجی آن ها تغییر شکل پیدا می کند و همین تغییر شکل هاست که آقای دکتر جالینوس را به اشتباه انداخته است و باعث شده است که او به غلط به سه قوه در بدن قائل شود..

ع ۱ – آقای دکتر ابوعلی سینا، ممکن است در این مورد توضیح بیشتری بدهید.

اس – اگر روح حیاتی به مغز برود، باعث بوجود آمدن قوه ی حیوانی حس و حرکت می شود. اگر روح حیاتی به جگر برود، آن را مستعد قبول قوه ی نباتی تغذیه و نمو می کند. اگر این روح حیاتی به غدد تناسلی برود، این غده ها را آماده ی پذیرایی قوه ی توالد و تناسل می کند.

ع ۱ – آقای دکتر ابوعلی سینا، با آن که از محضر گرم جنابعالی سیر نمی شویم، اما متأسفانه وقت ملاقات ما به پایان رسیده است و مجبوریم دنباله ی مصاحبه را به وقت دیگر موکول کنیم. بار دیگر از این که دعوت ما را پذیرفتید تشکر می کنم.

در خاتمه، برای اطلاع خوانندگان جوانتر مان باید عرض کنم که گرچه امروزه، یعنی در قرن بیست و یکم، کتاب «القانون فی الطب» در ایران، به خاطر نفوذ طب اروپایی، مورد استفاده ی پزشکان نیست، اما در شبه جزیره ی هند، پزشکان طب سنتی از آن در معالجه ی بیماران خود سود فراوان می برند. این کتاب در زبان انگلیسی به نام «کانون – آو – مدیسین» (Canon of Medicine) خوانده می شود و یکی از مشهورترین کتاب های پزشکی جهان است.

دنباله ی این مصاحبه ی جالب را که در باره ی کتاب های فلسفی آقای دکتر ابوعلی سینا است در شماره ی آینده با هم خواهیم خواند.

منابع

لیست کامل منابع و ماخذ در بخش سوم خواهد آمد.

phil03b.vnf

abbas.ahmadi@mailcity.com